

بسمه تعالی

طرح سوگندنامه وزیران و مدیران ارشد

دوره جدید فرهنگ نهج البلاغه، یعنی ورود این منشور سیاسی، اجتماعی و اخلاقی در بستر اجرایی کشور که بحمدالله پس از چهل سال فعالیت باید به مرحله اجرا درآید.

این افتخار بزرگی است که ایران تنها کشوری است که حکومتش بر اساس اسلام و آراء مردم شکل گرفته و بیش از چهل سال است که روی پای خود ایستاده و قدرتهای سیاسی شرق و غرب را پشت سر گذارده و هر روز بالندهتر و موفقتر به پیش می‌رود و به قول قرآن کریم:

«...كَزَعٍ أَخْرَجَ شَطَاةً فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...»^۱

«مَثَلُ يَارَانَ پیامبر ﷺ همانند زراعتی است که جوانه‌اش را خارج ساخته و سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و برپای خود ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد...»

پس از ورود نهج البلاغه در حوزه و دانشگاه و استقبال اساتید و مدرّسان، فضلا و دانشجویان به این منشور جاودانه و تألیف کتاب‌ها، درسنامه‌ها و پایان‌نامه‌ها حول محور نهج البلاغه (که البته تا رسیدن به حدّ مطلوب فاصله زیادی داریم) اکنون زمان آن فرا رسیده که فاز جدید آن یعنی ورود فرهنگ علوی و نهج البلاغه به مجلس و دولت به شکل «طرح» یا «لایحه» مطرح گردد.

نمایندگان مردم به ویژه هیأت رئیسه مجلس و البته «مرکز پژوهش‌های مجلس» وظیفه دارند که در قانون‌گذاری حول محور نهج البلاغه - که ویژگی و تفاوت آن با سایر احادیث، صدور آن در دوران حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) - مطالعه و بررسی کنند و جانمایه طرح‌ها و قانون‌ها از این کتاب ارزشمند استفاده شود و با بهره‌گیری از کارشناسان حوزه و دانشگاه که سال‌هاست در این رابطه به تدریس، تحقیق و تألیف اشتغال دارند گام بلندی برداشته و در قالب قانون و دستورالعمل در اختیار دولت و نهادهای اجرایی کشور قرار دهند.

۱. سوره فتح آیه ۲۹



و اگر تاکنون «مستمسکی» برای این تعلل وجود داشته اکنون پس از چهل سال فعالیت علمی و حضور اساتید مبرز و تألیف کتاب‌های متعدد در این مورد جای هیچ‌گونه بهانه‌ای باقی نمانده است. اکنون می‌توان ادعا کرد که صدها استاد و کارشناس ویژه نهج البلاغه آمادگی همکاری و هم‌فکری با مجلس را دارند تا در یک سلسله کارهای جهادی به کمک قوه مقننه آمده و نظرات و تحقیقات خود را ارائه کنند تا دولت بتواند جامعه را در پرتو آن اداره کرده و سامان دهد.

قدرت و قابلیت نهج البلاغه

آری نهج البلاغه این ظرفیت و استعداد را دارد همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «... اگر مالک اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معین می‌شود برای آن است که این کارها را انجام دهد آنها را در مقابل دشمنانشان مصونیت ببخشد آنها را به صلاح نزدیک کند، شهرها و حیطة حکومت خود را آباد کند... اخلاق و ارزش‌های معنوی را بالا ببرد...»^۱ در هر صورت لازم است در این زمان گام جدید و بلندی برای ورود نهج البلاغه در بستر اجرایی کشور برداشته شود. «بنیاد نهج البلاغه» برای رسیدن به این هدف طرحی بنام «سوگندنامه وزیران و مدیران ارشد» تهیه کرده که بدینوسیله در معرض دید و نظر اندیشمندان و محققان دلسوز و متعهد قرار می‌دهد، باشد که با توجه و اصلاح و تکمیل آن دوره جدیدی را به ثمر برسانیم.

طرح سوگندنامه

برای جدی شدن ورود نهج البلاغه و فرهنگ علوی به مراکز اجرایی کشور و فضای کلی جامعه، ابتدا باید مسئولان ارشد در جریان کار و ضرورت آن قرار گیرند و خود را با فرهنگ علوی آشنا و هماهنگ کنند و طبق فرمان‌های امام (علیه السلام) در فکر خدمت جهادی به مردم بوده و خود را وقف خدمت به آنان کنند و مردم بدانند که مسئولان جز خدمت خالصانه هدف دیگری ندارند. در این رابطه مسئولان باید هم دانش علوی را فرا گرفته و از دستوره‌های آن امام همام نسبت به کارگزاری مردم آگاهی داشته باشند و هم تعهد خدمت را نصب العین خود سازند. و لذا این تعهد به شکل «سوگندنامه» تهیه شده که هر روز در معرض دیدگانشان قرار گرفته و آن را از یاد نبرند. طرح سوگندنامه وزیران گامی بلند در جهت ایجاد انگیزه مضاعف درونی و تعهد دینی و الهی است که همواره باید مد نظر آنها بوده و به وظیفه دینی خود عمل کنند.

۱- سخنرانی در کنگره هزاره نهج البلاغه؛ اردیبهشت ۱۳۶۰ ش.

زیرا سوگند، فراتر از علم و آگاهی است و آن اعتراف در برابر خداوند بر انجام وظائف و مسئولیت‌هاست، شبیه «بیعت» که امت نسبت به امام، خود را موظف به اطاعت می‌داند و آن را اعلام می‌کند.

در واقع سوگند برای انسان تکلیف و تعهد ویژه می‌آورد که خودش آن را پذیرفته و در انجامش اعلام آمادگی کرده و خود را موظف به آن می‌داند.

نکته دیگر آنکه مفهوم سوگند، قول و قرار قطعی انسان در برابر خداوند نسبت به انجام کاری است که با اختیار پذیرفته است.

بدیهی است چنین کسی با چنین اراده و تعهد الهی هرگز دست از آن بر نمی‌دارد و اگر دست بردارد خود را مجرم و گناه‌کار می‌داند که مستحق عقوبت است.

کوتاه سخن آنکه طرح سوگندنامه گامی در راستای تحقق مفاهیم نهج‌البلاغه و فرهنگ علوی است که مدیران را به حرکت جهادی در پیاده کردن فرمان‌های امام (علیه السلام) و می‌دارد.

از صاحب‌نظران و اندیشمندان متعهد دعوت می‌شود طرح مزبور را مطالعه و در اصلاح و تکمیل آن ما را یاری نمایند.

و اینک اصل طرح که دقیقاً از نهج‌البلاغه گرفته و تقدیم می‌شود :

بسمه تعالی

سوگند نامه مدیران

برگرفته از نهج‌البلاغه امیرمؤمنان علی (علیه السلام)



- پروردگارا، از اینکه شکرانه نعمت‌هایت را با امکان خدمتگذاری به بندگانت نصیب نموده‌ای پاس داشته، سوگند یاد می‌کنم که:
۱. اطاعت از فرامین الهی را بر همه امور مقدم دانسته، تدبیر و رأی خود را همسو با تدبیر و مدیریت پروردگار عالم قرار دهم و اهمّ دستورات و توقعاتم از نیروها، رعایت تقوا باشد. (نامه ۵۳)
 ۲. موقعیت و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌ام را آزمون و امانتی از سوی خداوند دانسته و آنرا فرصتی جهت دستیابی به قدرت و کامیابی خود و اطرافیانم قلمداد نکنم. (نامه ۵)



۳. بعنوان یک کارگزار حکومت اسلامی تلاش و همت خود را در جهت حل مشکلات و مسائل مردم به نحو احسن بکار خواهیم گمارد؛ و به مصداق این بیان که «رئیس القوم خادمهم» خدمت را چیزی جز ادای حق مردم ندانم. (خطبه ۳۴)

۳. تواضع و فروتنی را سر لوحه کار خود قرار خواهیم داد، تا بتوانم با مخاطبینم (چه همکاران و چه مراجعین)، به عدالت و نرم‌خویی رفتار نمایم. (نامه ۲۷)

۴. تلاش خواهیم نمود که بواسطه موهبت الهی سعه صدر، ظرفیت شنیدن سخن تلخ حق را پذیرا باشیم؛ تا بتوانم از مشارکت بیشتر افراد در تصمیم سازی‌ها و ارائه راه کارهای بهتر و مفیدتر بهره‌مند شوم. (نامه ۵۳)

۵. سلامت نفس و عقلانیت را در تصمیمات خود مبنا قرار داده، کبر و غرور را از خود دور ساخته، خود را همه‌کاره و مصون از اشتباه ندانم. (نامه ۵۳، حکمت ۴۱۳)

۶. به شکرانه شعور و فهمی که هستی به من ارزانی داشته، مسئولیت اشتباهات خود رامی پذیرم و با روحیه‌ای محکم و استوار، و با تمام توان درصدد جبران آن خواهیم کوشید. (خطبه ۳۴)

۷. با استعانت از ذات باری تعالی، مساعی خود را بکار خواهیم برد، که با بصیرت و معرفت به درکی صحیح از روابط علت و معلولی مسائل و پدیده‌ها نائل گشته، راه حل‌های مناسب را با حفظ ارزشها، دریابیم. (خطبه ۱۰)

۸. از هرگونه عیب جویی و برملا نمودن راز و عیب همکاران و مخاطبین پرهیز نموده، سخن چین را خائن دانسته، و با بخیل، ترسو و طمعکار مشورت نخواهم کرد. (حکمت ۲۹، نامه ۵۳، حکمت ۱۰۹)

۹. هنگام گزینش و انتخاب نیروها، واجدین شرایط را بدون لحاظ نمودن توصیه‌های اطرافیان و صرفاً طبق ضوابط و از نیروهای خوش سابقه، متخصص، حقگو و حقگرا، انتخاب نمایم. (نامه ۵۳)

۱۰. همواره با دانشمندان، علما و کارشناسان و صاحب نظران در ارتباط بوده، جهت ساماندهی امور از نقطه نظرات آنان بهره‌مند شوم. (نامه ۵۳، نامه ۳۱)

اما بعد،

خدایا: عقلی کامل، تصمیمی نافذ، خردی که بر خردها بچربد، دلی پاک، دانشی بسیار، ادبی که سرآمد ادب‌ها باشد، روزیم کن و همه اینها را به سود من مقرر فرما و به زیانم مکن، به مهرت ای مهربان ترین مهربانان.

آمین یا رب العالمین.